



## بررسی رابطه مهارت‌های تفکر انتقادی با گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان علوم تربیتی

معصومه عیلامی رودمعجنی<sup>۱</sup>، سمیه قاضی<sup>۲</sup>

۱- مربی دانشگاه پیام نور خراسان رضوی

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

تفکر انتقادی شامل دو جنبه‌ی مهارت تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی است و براساس ادبیات موجود این احتمال مطرح می‌شود که تمایل به تفکر انتقادی می‌تواند در ایجاد مهارت تفکر انتقادی مؤثر باشد؛ در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا میان گرایش به تفکر انتقادی و مهارت‌های تفکر انتقادی میان دانشجویان کارشناسی رابطه معناداری وجود دارد. برای این منظور از روش پژوهش توصیفی همبستگی استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور خواف بودند که از میان آن‌ها تعداد ۳۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب و با استفاده از دو پرسشنامه مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم ب و گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا به بررسی آن‌ها پرداخته شد. داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ با کمک آزمون‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و آزمون‌های تی تک متغیری و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل با آزمون همبستگی نشان داد که میان گرایش به تفکر انتقادی و مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان مقطع کارشناسی رابطه معناداری وجود ندارد ( $p > 0.01$ ). همچنین جنسیت دانشجویان بر گرایش به تفکر انتقادی و مهارت‌های تفکر انتقادی و ابعاد آن‌ها اثرگذار نمی‌باشد. از سوی دیگر نتایج تجزیه و تحلیل با آزمون تی تک متغیری بیانگر این است که مهارت‌های تفکر انتقادی و ابعاد آن در دانشجویان پایین‌تر از سطح مطلوب قرار دارد در حالیکه گرایش به تفکر انتقادی و ابعاد آن به‌جز سه بعد سازمان‌دهی، اعتماد به نفس و به‌طور معناداری بالاتر از نقطه برش تعیین شده قرار دارند.

**کلیدواژه‌ها:** مهارت تفکر انتقادی، گرایش به تفکر انتقادی